

مستثنیات دین در حقوق ایران

سعید توکلی (عضو هیأت علمی دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری)

قسمت آخر

۳ - مستثنیات دین در آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا:

آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۵۵/۴/۶، از جمله آیین‌نامه‌هایی است که چندین بار الحاقیه به آن اضافه گردیده و بعد از انقلاب هم در سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۰ اصلاح شده است، و به اصلاحیه آن هم تبصره الحاق گردید و بعد از آن نیز، تبصره مزبور لغو شد. این کس و قوس‌های قانونی از اختلاف نظر بین حقوقدانان و فقهای شورای نگهبان بر سر تعیین مصادیق مستثنیات دین بوده است.

در سال ۱۳۵۹ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، از شورای عالی قضایی وقت درخواست الحاق چند بند به این آیین‌نامه را کرد.^(۹)

شورای عالی قضایی نیز در جلساتی چند، دو بند “و” و “ه” را به ذیل ماده (۶۹) آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا اضافه نمود که به موجب آن، مسکن و وسایل دیگر مورد نیاز مدیون و افراد عائله تحت تکفل او جزو مستثنیات دین قلمداد شد.^(۱۰)

البته در اینجا ذکر این مطلب لازم است که بندهای “ه” و “و” که به پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک در سال ۱۳۶۰ اضافه شده است، ابهاماتی دارد. مثلاً معلوم نگردیده بود منظور از مسکن بدهکار و عائله او چیست؟ آیا مقصود مسکنی است که برای زندگی بدهکار و عائله او کفایت کند و حداقل نیاز یک خانواده پر جمعیت متعهد را برآورده نماید؟ یا اینکه منظور مسکنی است که مناسب با شئون شخصی و خانوادگی بدهکار باشد؟ آیا اگر مسکن بدهکار به تشخیص اجرای ثبت بیش از حد نیاز او یا واقع در منطقه‌ای مرغوب و گران قیمت بود، آن را فروخت و منزل کوچکتري در نقطه ارزان شهر که حداقل نیاز خانواده را تأمین کند برای او خریداری و مازاد را به طلب‌کار پرداخت نمود یا خیر؟ همچنین در مورد اتومبیل با توجه به اختلاف فاحش قیمت اتومبیل‌های که گاهی تا ده برابر اختلاف قیمت دارد؛ آیا اگر مثلاً مدیون دارای یک اتومبیل بنز آخرین مدل باشد باید آن را از مستثنیات دین دانست یا اینکه می‌توان آن را فروخت و اتومبیل مستعمل ارزان قیمتی از نوع ژیان برای او خرید که همه احتیاج او را برطرف کند و هم مازاد قیمت به طلب‌کاران داده شود؟ در مورد تلفن، آیا تلفن منزل و محل کار هر دو جزء مستثنیات دین است، یا تلفن منزل و یا تلفن محل کار؟

اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، در موارد متعددی اظهار نظر نموده است که هر نوع خانه یا اتومبیل جزء مستثنیات نیست و اگر خانه یا اتومبیل بدهکار بیش از نیاز او باشد تبدیل آن به خانه و اتومبیلی که نیاز او را مرتفع نماید و مازاد قیمت به طلبکار یا طلبکاران داده شود مجاز و بلکه لازم است و در مورد تلفن فقط یک شماره را جزء مستثنیات دانسته است. اما مسئله‌ای که باید مورد توجه واقع شود آن است که در شرایطی که اکثر مردم

دارای ملک مسکونی نیستند و حتی قادر به پرداخت اجاره بهای سرسام آور معمولی نمی‌باشند، آیا صحیح است به بدهکار که احياناً با استقراض از این و آن خانه، اتومبیل و تلفن خریده است، این امتیاز داده شود که منزل و اتومبیل و تلفن او مصون از تعرض باشد و طلبکار که ممکن است فاقد هر سه یا یک یا دو تای آنها باشد دستش کوتاه بماند و طلبش بلاوصول گردد!

اصولاً مگر چند درصد از مردم، اضافه برخانه معمولی و اتومبیلی متوسط و یک تلفن چیزی دارند که از آن محل به طلبکار داده‌شود؟ البته باید همه مردم از این امکانات و ضروریات زندگی در عصر فضا بهره‌مند شوند، ولی نباید مقررات به نحوی تدوین شود که مردم را از وام دادن بترساند و اشخاص را به وام گرفتن و تهیه ملزومات خویش و نداشتن دغدغه و اضطراب از بازپرداخت آن وادار نماید!

با تصمیمی که شورای عالی قضایی در مورد مستثنیات دین در اجرای اسناد گرفت، تلفن و وسیله رفت آمد و مسکن موردنیاز بدهکار و عائله او را از مستثنیات شناخت. این مسئله پیش آمد که آیا در مورد اجرای احکام هم می‌توان همین مستثنیات را ملاک قرارداد؟

باید بگوییم نظریه شورای عالی قضایی فقط در مورد اجرای اسناد است و نمی‌تواند به اجرای احکام که دارای قانون خاص و معین است، سرایت داده‌شود.^(۱۱)

بالاخره با اصلاحاتی که در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۶ در مفاد و بندهای ماده (۶۹) به‌عمل آمده، برخی ابهامات مرتفع گردید. در وضعیت فعلی، ماده مزبور به‌شرح ذیل می‌باشد:

ماده (۶۹) - (اصلاحی ۱۳۷۰/۹/۲۳) اموال و اشیای زیر از مستثنیات دین است و بازداشت نمی‌شود:

- ۱- مسکن متناسب با نیاز متعهد و اشخاص واجب‌النفقه او .
 - ۲- لباس، اشیا و اثاثی که برای رفع حواجج متعهد و اشخاص واجب‌النفقه او لازم است.
 - ۳- آذوقه موجود به قدر احتیاج سه ماهه متعهد و عائله او.
 - ۴- وسایل و ابزار کارکسبه، پیشه‌وران و کشاورزان متناسب با امرار معاش خود و اشخاص واجب‌النفقه آنان.
 - ۵- سایر اموال و اشیا که به‌موجب قوانین خاص، غیرقابل توقیف می‌باشد.
- تبصره ۱- (اصلاحی ۱۳۷۰/۹/۲۳) در صورت فوت متعهد، دیون از کلیه اموال بجا مانده از او بدون استثنای چیزی، استیفا خواهد شد.

تبصره ۲- (اصلاحی ۱۳۷۰/۹/۲۳) در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیای موصوف با نیاز اشخاص فوق‌الذکر، رئیس ثبت محل با توجه به وضعیت خاص متعهد و عرف محل، مطابق ماده (۲۲۹) اتخاذ تصمیم خواهد کرد.

تبصره ۳- (الحاقی ۱۳۷۶/۵/۲۵) در صورتی که بستانکار، همسر مدیون بوده و بابت وصول مهریه درخواست بازداشت محل سکونت او را بنماید، در این صورت حداکثر تا نصف از مالکیت مدیون بازداشت می‌شود.

۳- مستثنیات دین در قانون اجرای احکام مدنی:

ماده (۶۵) از قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱ در مقام بیان مستثنیات دین اعلام می‌کند:
> اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمی‌شود:

۱ - لباس و اشیا و اسبابی که برای رفع حوایج ضروری محکوم‌علیه و خانواده او لازم است.

۲- آذوقه موجود به قدر احتیاج یک ماهه محکوم‌علیه و اشخاص واجب‌النفقه او.

۳- وسایل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه‌وران و کشاورزان.

۴ - اموال و اشیا یی که به موجب قانون مخصوص غیر قابل توقیف می‌باشند.

تبصره: تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی‌شود.^(۱۲)

اکنون به بررسی بندهای ماده (۶۵) می‌پردازیم. در بند “۱” این ماده آمده است، اشیا و اسبابی که برای رفع حوایج ضروری محکوم‌علیه و خانواده او لازم است. پس یک میز تنیس یا یک دستگاه ویدئو جزو اشیا ی ضروری نمی‌باشد. یا کسی که چند قطعه فرش دارد توقیف آنها بجز یک یا دو قطعه جایز است. در بند “۲” مقدار آذوقه از سه ماه در قوانین قبلی به یک ماه تنزل پیدا کرده است که این امر شاید به دلیل حمایت از طلبکاران باشد.

در بند “۳” این ماده از وسایل و ابزار کار ساده ذکر شده است که این قید ساده بودن وسایل، خود مبین این امر است که اگر کسی راجع به یک کارخانه صنعتی ادعا کند که این کارخانه جزو مستثنیات دین می‌باشد با تصریح در متن ماده نمی‌شود این ادعای او را پذیرفت؛ ولی در مورد یک نجار، ارّه برقی او مشمول بند “۳” این ماده می‌باشد و از این حیث غیر قابل توقیف است. با قید “ساده بودن” اتومبیل و تراکتور از شمول مستثنیات دین خارج می‌گردد.

التبّه به نظر نگارنده، این قانون از لحاظ قالب ظاهری و از نظر نحوه به‌کارگیری مفردات و عبارات، به مراتب دقیقتر از قوانین پیش از خود تنظیم شده است و از نقطه نظر ماهیت نیز مزایای قابل توجهی را مطرح کرده است، مخصوصاً با افزودن تبصره ذیل ماده (۶۵) نشان از حمایت معنوی قانونگذار از مدیون دارد. از این جهت، قانون مذکور به فتوای بسیاری از فقهای بزرگ که مطابق آن فتوا، کتب علمی مورد نیاز مدیون که متناسب با مقام و مرتبه علمی او باشد، را غیر قابل توقیف می‌دانند، شباهت دارد به عبارت بهتر، آن را داخل قلمرو مستثنیات دین دانسته‌اند.^(۱۳)

اختلاف اساسی بین ماده (۶۹) آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و ماده (۶۵) قانون احکام مدنی

اساسی‌ترین اختلاف میان قانون اجرای احکام مدنی (ماده ۶۵) و آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا (ماده ۶۹) در مورد مسکن می‌باشد. گفتیم که در اصلاحیه ماده (۶۹) آیین‌نامه، در بند اول، مسکن ذکر شده است؛ ولی در قانون اجرای احکام مدنی، ذکری از مسکن نیامده است. این اختلاف موجب شده است که میان اجرای احکامی که از دادگاه حقوقی صادر شده و اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا که به وسیله ثبت اسناد به موقع اجرا گذاشته می‌شود، دوگانگی به وجود آید. به عنوان مثال: خانمی که مهریه خود را از طریق اجرای ثبت به اجرا می‌گذاشت، نمی‌توانست منزل مسکونی شوهر خود را در مقابل مهریه اش توقیف کند. در حالی که اگر برای وصول مهریه خود به دادگاه

مراجعه می‌کرد، پس از طی تشریفات قانونی و پس از صدور حکم می‌توانست با تقاضای صدور اجرائیه، منزل مسکونی شوهر را توقیف کند و از محل فروش آن مهریه خود را وصول نماید. این دوگانگی و ناهماهنگی میان قانون اجرای احکام مدنی و آیین‌نامه اسناد رسمی، ذهن و ضمیر مسئولین قضایی و حقوقدانان را می‌آزرد تا اینکه مراتب به اطلاع فقهای شورای نگهبان رسید و آن شورا نیز طی نامه شماره ۷۶۲۱/۵۱۱ مورخ ۷۶/۳/۱ نظریه خود را به شرح ذیل اعلام نمود:

ماده (۶۵) قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۵۶، مخصوص اموال منقول است و شامل مسکن نمی‌شود؛ و علی‌ای حال مسکن مورد نیاز متناسب شرعاً از مستثنیات دین می‌باشد.

نظریه فقهای محترم شورای نگهبان دقیقاً منطبق با تفسیری است که کمیسیون وزارت عدلیه در سال ۱۳۰۰ یعنی دقیقاً ۸۱ سال پیش از این، از ماده (۶۳۰) قانون اصول محاکمات قدیم به عمل آورده بود؛ و همان‌طور که قبلاً نیز گفته شده ماده (۶۳۰) قانون مذکور نیز وضعیتی مشابه ماده (۶۵) قانون اجرای احکام مدنی داشت. در این تفسیر آمده است، چون این بحث راجع به توقیف اموال منقول است تعرضی به خانه مسکونی نشده و الا آن نیز از مستثنیات دین است. به هر حال، شورای نگهبان با اعلام نظریه فوق، به تمامی بحثهای نظری حقوقی در این باب پایان داد و همان‌طور که مسکن به‌طور مسلم در فقه جزو مستثنیات دین شمرده می‌شد، در حقوق ایران نیز به‌طور مسلم، مسکن متناسب جزو مستثنیات دین قرار گرفت.

۵- مستثنیات دین در قوانین مالیاتی:

در ماده (۲۱۲) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سوم اسفندماه سال ۱۳۶۶ اصلاحی (۱۳۸۰/۱۱/۲۷) مقرر شده است: «توقیف اموال زیر ممنوع است:

- ۱- دو سوم حقوق حقوق‌بگیران و سه چهارم حقوق بازنشستگی و وظیفه.
- ۲- لباس و اشیا و لوازمی که برای رفع حوائج ضروری مؤدّی و افراد تحت تکفل او لازم است و همچنین آذوقه موجود و نفقه اشخاص واجب‌النفقه مؤدّی.
- ۳- ابزار و آلات کشاورزی، صنعتی و وسایل کسب که برای تأمین حداقل معیشت مؤدّی لازم است.
- ۴- محل سکونت به قدر متعارف.

راجع به این قانون نکات زیر قابل بحث می‌باشد:

در طول تاریخ قانونگذاری ایران (قبل از ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا برای اولین بار) در این قانون منزل مسکونی صریحاً جزو مستثنیات دین شمرده شده است، و منظور از محل سکونت به قدر متعارف، منزل مسکونی است که از لحاظ کمی و کیفی متناسب با احتیاجات و شئون عرفی مؤدّی باشد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، این قانون مربوط به مؤدّیان مالیاتی است. از نظر حقوقی این سؤال پیش می‌آید که آیا می‌توان از بند «۴» ماده مذکور (استثنای مسکن) تفسیر موسّع به عمل آورد و مفاد آن را به سایر بدهکاران (یعنی کسانی که به سبب دیگری غیر از مالیات مدیون هستند) گسترش داد؟ در پاسخ باید گفت، تفسیر موسّع و

تعمیم بند “۴” با این مشکل مواجه است که قلمرو قوانین استثنایی از جمله قوانین مربوط به “مستثنیات دین” را نمی‌توان مورد تفسیر موسّع قرار داد. بنابراین، اگرچه از نظر فقهی حکم موضوع روشن است، لکن از نقطه نظر حقوق موضوعه، مسلم است که باید از حکم این قانون تفسیر مضیق نمود.

اشکال دیگری که در بند “۱” ماده (۲۱۲) قانون مالیاتهای مستقیم وجود دارد، این است که میان حقوق‌بگیران عائله‌مند و غیرآنها فرقی گذارده نشده است. منطقی‌تر بود که قانون مذکور همچون ماده (۶۹) آیین‌نامه اسناد رسمی، میان افراد عائله‌مند و غیرآنها فرق بگذارد. بدین صورت که در مورد افراد عائله‌مند، سقف حقوق قابل توقیف را یک چهارم و در افراد غیرمعیل، سقف حقوق قابل توقیف را یک سوم قرار دهد.

۶- مستثنیات دین در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی

آخرین قانون مصوب که در حال حاضر در خصوص جمیع دعاوی حقوقی در مانحن فیه حاکم و ساری و جاری است، مقررات قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ می‌باشد.

که ضمن فصل سوم باب نهم خود از ماده (۵۲۳) الی (۵۲۷) را به موضوع مستثنیات دین داده اختصاص است. در ماده (۵۲۳) می‌خوانیم:

«در کلیه مواردی که رأی دادگاه برای وصول دین به موقع اجرا گذارده می‌شود، اجرای رأی از مستثنیات دین اموال محکوم علیه ممنوع می‌باشد.»

تبصره: احکام جزایی دادگاههای صالح مبنی بر استرداد کل یا بخشی از اموال محکوم‌علیه یا ضبط آن مستثنا می‌باشد.^(۱۴)

این ماده در قانون سابق آیین دادرسی مدنی وجود نداشت. ماده (۵۲۴) قانون مارالذکر در مقام تبیین مصادیق مستثنیات دین چنین مقرر کرده است:

«مستثنیات دین عبارت است از:

الف) مسکن موردنیاز محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی با رعایت شئون عرفی.

ب) وسیله نقلیه موردنیاز و متناسب با شأن محکوم‌علیه.

ج) اثاثیه موردنیاز زندگی که برای رفع حوایج ضروری محکوم‌علیه، خانواده و افراد تحت تکفل وی لازم است.

د) آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود.

ه) کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنان.

و) وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاصی که وسایل امرار معاش محکوم‌علیه و افراد تحت تکفل وی می‌باشد.

ماده مزبور نیز در قانون سابق آیین دادرسی مدنی وجود نداشت و در واقع، قانونگذار در آخرین تقنین خود با لحاظ جمیع مبانی قانونی مربوط به مستثنیات دین در قوانین پراکنده و با تأسی از قول مشهور فقهای امامیه، اقدام به احصا و شمارش مصادیق بارز مستثنیات دین نموده و آنها را از دسترس طلبکار و محکوم‌له در امان و مصون نگه

داشته است. البته همان‌طور که تبصره ماده (۵۲۳) تصریح نموده، احکام جزایی و کیفری در مورد محکومیت‌های مالی و جزای نقدی و یا در جایی که حکم به استرداد عین مالی و یا ضبط و انعدام آن داده می‌شود، مورد، مشمول ارفاقات قانونی و داخل قلمرو مستثنیات دین نخواهد بود. این‌گونه استثنائات، در مجازات‌ها و اعمال کیفر رعایت نمی‌شود.

در پایان، از آنجا که قانونگذار در مواد (۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷) از قانون مارالذکر اقدام به وضع مقررات جدیدی نموده که در قانون سابق آیین دادرسی وجود نداشت، بویژه در مورد بروز اختلاف میان محکوم‌علیه و یا محکوم‌له با مأمور اجرای احکام پیش‌بینی جدیدی نموده‌است، عیناً موارد مزبور را در زیر می‌آوریم:

ماده (۵۲۵): «در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیا در ماده قبل با شئون و نیاز محکوم‌علیه، تشخیص دادگاه صادرکننده حکم لازم‌الاجرا، ملاک خواهد بود. چنانچه اموال و اشیا مذکور بیش از حد نیاز و شئون محکوم‌علیه تشخیص داده‌شود و قابل تجزیه و تفکیک نباشد، به دستور دادگاه به فروش رسیده‌ها مازاد بر شأن، بابت محکوم به یا دین پرداخت می‌گردد.»

ماده (۵۲۶): «مستثنیات دین تا زمان حیات محکوم‌علیه جاری است.»

ماده (۵۲۷): «چنانچه رأی دادگاه مبتنی بر استرداد عین مال باشد، مشمول مقررات این فصل نخواهد بود.»

پی‌نوشت‌ها:

۹ - پیشنهاد شماره ۱۰/۸۴۸۶ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۰ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

۱۰ - مصوبه مزبور در جلسات شماره ۹۶ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۸ و ۱۰۳ مورخ ۱۳۶۰/۱/۳۰ شورای عالی قضایی وقت به تصویب رسیده است.

۱۱ - نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه در پرونده اجرایی شماره ۶۲۳/۵/۲۲۳ - غلامرضا ثمری و حسین آبادی (۱۳۶۷).

۱۲ - نظریه شماره ۷۶۲۱/۵۱۱ مورخ ۷۶/۳/۱ فقهای شورای نگهبان مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۵۲۳۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۳۱ درباره ماده (۶۵) قانون اجرای احکام مدنی:

«ماده (۶۵) قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ مخصوص اموال منقول است و شامل مسکن نمی‌شود و علی‌ای‌حال مسکن موردنیاز و متناسب شرعاً از مستثنیات دین می‌باشد.»

۱۳ - نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۲ - محقق حلّی، شرایع الاسلام، ج ۲ - ابوالحسن اصفهانی وسیلة النجاة ج ۲، ص ۹۱.

۱۴ - تبصره ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ در این خصوص قابل توجه است.